



Research Paper

## Implications of Fitrah Theory in Intercultural Communication \*

10.22034/CDRJ.2024.196970

**Javad Sabouri Kazaj**Ph.D. student of Cultural Policy of Imam Sadiq University (A.S.) (Responsible Author), Tehran, Iran  
javadsabouri@yahoo.com

0009-0006-4230-6659

**Ebrahim Khani**Assistant Professor, Faculty of Islamic Studies, Culture and Communication, Imam Sadiq University (AS), Tehran, Iran  
e.khani@isu.ac.ir

0000-0002-3556-7133

### ABSTRACT

Communication between a person from one culture and people from another culture with an emphasis on the individual and presence is called intercultural communication. From the Islamic point of view, this topic has the capacity to be studied and researched, because Islam is an important cultural pillar of Iran and is itself a comprehensive program of human life. Fitrah (Nature), meaning the way of divine creation of man, has been one of the main concepts of Islamic anthropology. The main problem of this article is to discover some implications of the theory of nature in intercultural communication. The data collection method is documentary and library, and its analysis method is analytical-inferential and research implication. The implications of the theory of nature in intercultural communication in this research are: 1- language; It is a natural thing and nature itself is also a language of communication between man-man and man-God; 2- religion; It is based on nature, and nature plays a prominent role in inter-religious communication; 3- Paying attention to the principle of free will, lack of self-esteem, paying attention to the value of oneself and others, respect and logical speech are among the important categories from the point of view of nature in negotiation and dialogue; 4- The common identity between all human beings is nature, for this reason, this common identity provides the basis for extensive global intercultural communication; 5- One of the characteristics of truth-seeking nature and paying attention to the right aspects of a culture in intercultural communication; 6- Nature has a prominent role on the individual and the change of structures in cultural contact and cultural change, and 7- The role of nature in cross-cultural communication and the general course of human history is that it moves the world towards evolution.

Received: 2023-06-07  
Accepted: 2023-08-16**Keywords:**Nature, Intercultural  
Communication,  
Islam, Culture.

\*. The contents of the Journal reflect the thoughts and views of the authors, and the Journal is not responsible for this.

## دلالت‌های نظریه فطرت در ارتباطات میان فرهنگی\*

doi 10.22034/CDRJ.2024.196970

جواد صبوری کزج

دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری فرهنگی دانشگاه امام صادق (ع) (نویسنده مسئول)، تهران، ایران

javadsabouri@yahoo.com

ID 0009-0006-4230-6659

ابراهیم خانی

استادیار دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران

e.khani@isu.ac.ir

ID 0000-0002-3556-7133



## چکیده

ارتباط فردی از یک فرهنگ با مردمانی از فرهنگ دیگر با تاکید بر فرد و حضوری بودن را ارتباطات میان فرهنگی می‌گویند. این موضوع از نظر اسلامی نیز ظرفیت پرداخت و پژوهش دارد، زیرا اسلام رکن مهم فرهنگی کشور ایران بوده و خود نیز برنامه جامع زندگی بشر است. فطرت به معنای نحوه آفرینش الهی انسان از جمله مفاهیم اصلی و محوری انسان شناسی اسلامی بوده است. مسئله اصلی این مقاله کشف برخی از دلالت‌های نظریه فطرت در ارتباطات میان فرهنگی است. روش جمع آوری داده به صورت اسنادی و کتابخانه‌ای بوده و روش تحلیل آن، تحلیلی-استنتاجی و دلالت پژوهی است. دلالت‌های نظریه فطرت در ارتباطات میان فرهنگی در این پژوهش عبارتند از: ۱- زبان؛ امری فطری بوده و خود فطرت نیز به عنوان یک زبان ارتباطی بین انسان-انسان و انسان-خدا است؛ ۲- دین؛ بر اساس فطرت است و فطرت نقش برجسته‌ای در ارتباطات میان ادیانی دارد؛ ۳- توجه به اصل اختیار، عدم خودبینی، توجه به ارزش خود و دیگری، احترام و سخن منطقی از جمله مقولات مورد اهمیت از منظر فطرت در مذاکره و گفتگو است؛ ۴- هویت مشترک بین همه انسان‌ها فطرت است، از این جهت این هویت مشترک زمینه ارتباطات میان فرهنگی گسترده جهانی را فراهم می‌آورد؛ ۵- یکی از ویژگی‌های فطرت حقیقت‌جویی و توجه به جنبه‌های حق یک فرهنگ در ارتباطات میان فرهنگی است؛ ۶- فطرت نقش برجسته‌ای بر فرد و تغییر ساختارها در تماس فرهنگی و تغییر فرهنگی دارد و ۷- نقش فطرت در ارتباطات میان فرهنگی و سیر کلی تاریخ بشریت این است که جهان را به سوی تکامل پیش می‌برد.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۳/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۵/۲۵

واژگان کلیدی:

فطرت، ارتباطات میان فرهنگی، اسلام، فرهنگ.



\* مطالب مندرج در فصلنامه میباید اندیشه‌ها و دیدگاه‌های نویسندگان است و از این بابت مسئولیتی متوجه فصلنامه نیست.

<https://cdrij.icro.ir>

## مقدمه

وقتی فردی از یک فرهنگ خاص با مردمان فرهنگ دیگری مواجه می‌شود، همواره در طول تاریخ به عنوان یک مسئله و چالش مطرح بوده است، زیرا اثرات مختلفی بر فرهنگ مقصد و مبدا دارد. این مسئله و چالش در حوزه مطالعات ارتباطات میان‌فرهنگی بوده است. ارتباطات میان‌فرهنگی؛ «ارتباطات چهره به چهره میان مردمانی با فرهنگ‌های متفاوت است که از رشد مطالعات انسان‌شناسی فرهنگی درباره فرایندهای ارتباطات میان‌فرهنگی به وجود آمده است و واحد تحلیلش افراد هستند.» (فیاض، ۱۳۸۹: ۳۵۵). جهانگردان، تاجران، مبلغان دینی، دانشمندان، سیاسیون و جغرافی‌دانان از جمله گروه‌هایی بودند که در طول تاریخ به سیر و سفر به اقصی نقاط جهان مشغول بوده‌اند و با فرهنگ‌های مختلف در دنیا مواجه می‌شدند. در واقع هر یک از این گروه‌ها با قصد و غرض مشخص و خاصی به سفر رفته و در آن جا با افراد فرهنگ‌های مختلف روبه‌رو می‌شدند. از این جهت سفر و جهانگردی عبارت است از: «حرکت انسان‌ها در زمین که منجر به ارتباط میان‌فرهنگی مستقیم میان آنان می‌شود» (همایون، ۱۳۹۱: ۳۷). در این مواجهه فرهنگی که بین فرد و فرهنگ بیگانه حاصل می‌شود، نگاه فرد به مردمان فرهنگ بیگانه و بالعکس نوع نگاه مردمان آن فرهنگ به او، الگوی کنشگری فرد در تماس فرهنگی حاصل شده و همچنین الگوی برخورد مردمان آن فرهنگ با فرد، تفاوت‌ها و شباهت‌های فرهنگی فرد و آن فرهنگ بیگانه و امثالهم از جمله مسائل مربوطه به این نوع ارتباطات بوده است.

نگاه و رویکرد ارتباطات میان‌فرهنگی در جهت تعامل فرهنگی و نزدیک شدن مردمان فرهنگ‌های متفاوت نسبت به هم بوده است. در واقع ارتباطات میان‌فرهنگی بر تسهیل‌گری ارتباط جهت تفاهم و تعامل بیشتر فرهنگ‌های مختلف جهان تأکید دارد. در صورت فقدان این نوع ارتباط می‌توان عوارضی همچون جنگ و نزاع را متصور شد که وضعیت از صلح خارج شده و به نزاع می‌رسد. به بیان دیگر این نوع ارتباطات موجب همشناسی و شناخت بیشتر از یکدیگر و به بیان دیگر جایگزینی دیگرشناسی به جای دیگر ستیزی است و نبود آگاهی، دیگرستیزی را جایگزین دیگرشناسی می‌کند (غمامی و اسلامی تنها، ۱۳۹۵: ۱۵). از این جهت راهکارهای تسهیل ارتباط میان‌فرهنگی اهمیت بالایی در مباحث این حوزه دارد.

همواره خود فرهنگ یک الگو و طرحواره در برخورد افراد یک فرهنگ با فرهنگ دیگر ارائه می‌دهد، هرچند ممکن است ارائه الگو بصورت صریح بیان نشده باشد ولی در کنش و رفتار

مردمان آن فرهنگ جاری است. «طرحواره، مجموعه‌هایی کلی و تعمیم یافته از دانش در مورد تجارب گذشته هستند که در قالب گروه‌بندی‌های دانش مرتبط سازماندهی می‌شوند و برای هدایت رفتارهای ما در موقعیت‌های آشنا مورد استفاده قرار می‌گیرند» (Nishida, 1999) (به نقل از گادیگانست، ۱۳۹۶: ۳۱۳). در واقع خود فرهنگ یک زمینه برای ارتباطات میان‌فرهنگی ایجاد کرده که می‌تواند مانع یا تسهیل‌گر ارتباط باشد. هر فرهنگ با توجه به ارزش‌ها و آرمان‌های خود با دیگر فرهنگ‌ها وارد ارتباط می‌شود. از این جهت نگاه یک فرهنگ به موضوع ارتباط با دیگر فرهنگ‌ها مورد اهمیت است. بخش مهم و گسترده‌ای از فرهنگ کشور ایران، مبتنی بر هویت اسلامی است و از این جهت نگاه به ارتباطات میان‌فرهنگی با تأکید بر مبانی اسلامی از اهمیت بالایی برخوردار است.

با توجه به اینکه خداوند در قرآن کریم میفرماید: «وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَى هَؤُلَاءِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ<sup>۱</sup>»، دین اسلام برنامه جامع زندگی بشریت و مایه هدایت انسان‌ها به سوی خداوند به عنوان حقیقت یکتا بوده است و از این جهت این پژوهش به دنبال استخراج دلالت‌های نظریه فطرت مبتنی بر انسان‌شناسی اسلامی ارتباطات میان‌فرهنگی است. نظریه فطرت از جمله مفاهیم اسلامی است که ظرفیت توجه در علوم انسانی - اسلامی بدان وجود دارد و پرداخت به علوم انسانی - اسلامی نیز در حوزه علوم انسانی اهمیت والایی داشته است.

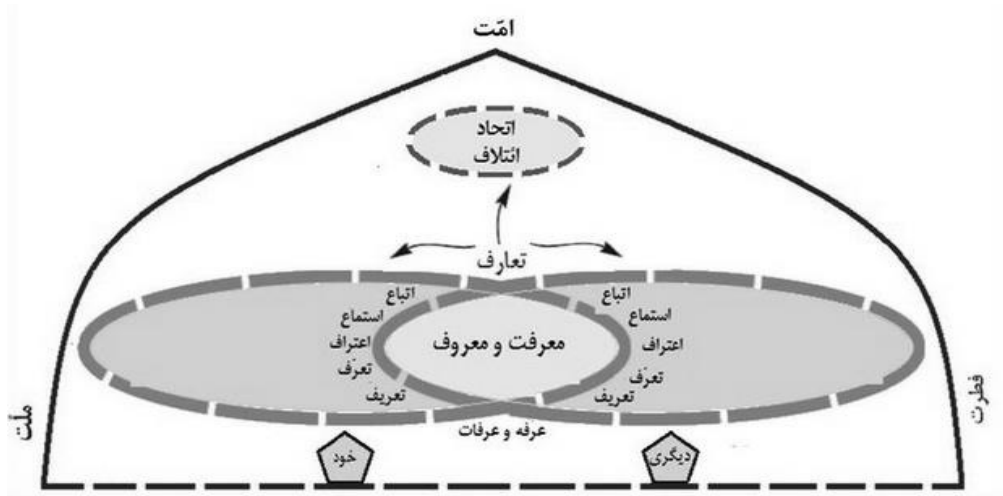
### پیشینه پژوهش

پژوهش‌های گسترده‌ای به صورت جداگانه در دو حوزه نظریه فطرت و ارتباطات میان‌فرهنگی انجام شده است، اما این مقاله به دنبال نگاه ترکیبی و یافت دلالت‌های نظریه فطرت در ارتباطات میان‌فرهنگی است. از این جهت در پیشینه پژوهش به کتاب و مقالاتی که در آن دو مفهوم فطرت و ارتباطات میان‌فرهنگی هر دو حضور دارند، اشاره می‌شود.

۱. کتاب «همشناسی فرهنگی؛ الگوی قرآنی ارتباطات میان‌فرهنگی» که توسط سید محمد علی غمامی و اصغر اسلامی تنها (۱۳۹۵) به نگارش درآمده است، ارتباطات میان‌فرهنگی در چهارچوب سه سنت نظری انگلیسی - امریکایی، فرانسوی و آلمانی مورد مطالعه قرار گرفته و مبتنی بر آیه ۱۳ سوره حجرات یک الگوی اسلامی به نام تعارف و همشناسی فرهنگی برای

۱. سوره نحل، آیه ۸۹

ارتباطات میان‌فرهنگی طراحی شده است. در این الگو ارتباطات میان‌فرهنگی اسلامی، به مولفه فطرت به عنوان بخشی از این الگو نگاه شده است. تصویر شماره (۱) مربوط به الگوی قرآنی ارتباطات میان‌فرهنگی مذکور است.



تصویر شماره ۱- الگوی قرآنی ارتباطات میان‌فرهنگی و جهان‌های آن (غمامی و اسلامی تنها، ۱۳۹۵: ۲۶۱)

۲. مقاله‌ای با عنوان «الگوی دینی پیرامون ارتباطات میان‌فرهنگی»، در سال ۱۳۹۲ توسط علیرضا دهقان و بشیر معتمدی نگارش یافته است. نتیجه مطالعات این پژوهش نشان می‌دهد که الگوی دینی پیرامون ارتباطات میان‌فرهنگی نظریه‌ای مستقل است که بر مبنای مباحث فطرت و غایت در دیدگاه اسلامی است. در واقع در این الگو نیز فطرت به عنوان بخشی از یک الگوی مطرح شده است.

۳. مقاله «واکاوی مولفه‌های بنیادین ارتباطات میان‌فرهنگی از منظر قرآن کریم: بررسی تشابهات و تفاوت‌ها» در سال ۱۳۹۸ به نام محمد حسین شعاعی به ثبت رسیده است. بر اساس این مقاله دانش ارتباطات میان‌فرهنگی موجود غربی صرفاً مبتنی بر فردگرایی به تفاوت‌ها می‌پردازد، اما قرآن با به رسمیت شناختن تفاوت‌ها و در عین حال اصل ننگاشتن آن‌ها، به جوهر مشترک میان انسان‌ها یعنی فطرت در بعد بینشی و گرایشی و حکمت در بعد بینشی و کنشی دلالت می‌کند.

۴. مقاله «دلالت‌های نظریه فطرت در نظریه فرهنگی» در سال ۱۳۹۰ به نام محسن لبخندقی ثبت گردیده است. هرچند عنوان کلی مقاله پیرامون ارتباطات میان‌فرهنگی نیست ولی بخشی از این مقاله به فطرت به عنوان بن مایه ارتباطات میان‌فرهنگی نگاه شده و در دو محور، فطرت و امکان گفتگو و مفاهیم فرهنگ‌ها و همچنین، فطرت و مفاهیم ذاتی فرهنگ‌ها با فرهنگ دینی، پرداخته شده است.

در مطالعات و پژوهش‌های مذکور به مولفه فطرت در حوزه ارتباطات میان‌فرهنگی پرداخته شده است ولی آنچه در بین تمام موارد مذکور دیده می‌شود، نگاه به فطرت به عنوان یک مولفه جزئی در الگوی طراحی شده یا یک پایه در کنار پایه‌های دیگر برای پرداختن به ارتباطات میان‌فرهنگی اسلامی است. به بیان دیگر در هیچ یک از پژوهش‌ها و مطالعات صورت گرفته به فطرت به عنوان یک مفهوم مرکزی نگریسته نشده است و به عنوان یک مولفه جانبی و تکمیل‌کننده نگاه شده است. این پژوهش در صدد آن است که مبتنی بر نظریه فطرت به دانش ارتباطات میان‌فرهنگی نگاه شود. در واقع پرداخت به دلالت‌های نظریه فطرت در ارتباطات میان‌فرهنگی به صورت مستقل، شاخصه و ویژگی متمایز این پژوهش است.

### روش پژوهش

روش جمع‌آوری داده به صورت اسنادی و کتابخانه‌ای بوده است. در این پژوهش از روش تحلیلی-استنتاجی و روش دلالت‌پژوهی برای تحلیل استفاده می‌شود. به عقیده دانایی فرد؛ دلالت‌پژوهی به این معناست که گاهی یک پژوهشگر قصد دارد از یک چهارچوب یا نظریه یا یک ایده بنیادین در رشته‌های مختلف، رهنمودها و دلالت‌هایی استخراج کند و آن را در حوزه تخصصی خود به کار گیرد (دانایی فرد، ۱۳۹۵: ۵۱).

در این روش ابتدا دلالت‌های اولیه آثار و نظریات علمی احصا می‌شود. این دلالت‌های اولیه خام بوده و به صورت توصیفی-تحلیلی بیان می‌شوند. سپس با تدقیق و بسط این دلالت‌ها در موضوع مورد پژوهش، منجر به تولید دانش در آن مسئله می‌شوند. دانایی فرد معتقد است بسیاری از نظریات علمی معاصر در رشته‌های گوناگون، از طریق همین ایده‌گیری از نظریات علمی و پیگیری دلالت‌های آن در رشته مورد نظر بوده که منجر به تولید دانش در رشته‌های دیگر شده است (دانایی فرد، ۱۳۹۵: ۵۲).

### ادبیات مفهومی

#### ارتباطات میان‌فرهنگی

تاریخ شروع ارتباطات میان‌فرهنگی با «موسسه خدمات خارجی<sup>۱</sup>» و «وزارت امور خارجه آمریکا<sup>۲</sup>» در بین سال‌های ۱۹۴۶ تا ۱۹۵۶ مرتبط بوده است. ادوارد هال<sup>۳</sup> را می‌توان آغازگر مفهوم ارتباطات

1. Foreign Service Institute (FSI)
2. U.S. Department of State (DOS)
3. Edward T. Hall

میان‌فرهنگی دانست. کتاب «زبان خاموش»<sup>۱</sup> از ادوارد هال که در سال ۱۹۵۹ منتشر شد، این اثر جزو آثار ابتدایی در حوزه ارتباطات میان‌فرهنگی است که به مقوله زبان بدن و ارتباطات غیر کلامی می‌پردازد. داستان ارتباطات میان‌فرهنگی در «موسسه خدمات خارجی» آغاز می‌شود. در دهه ۱۹۴۰ بسیاری از افراد تشخیص دادند که دیپلمات‌های امریکایی در خارج از کشور زیاد تاثیرگذار نیستند، زیرا آن‌ها نسبت به فرهنگ و زبان کشور میزبان آگاهی ندارند. پس از جنگ جهانی دوم، امریکایی‌ها شروع به ارزیابی مجدد دانش و درک خود از زبان و فرهنگ سایر کشورها کردند. در سال ۱۹۴۶ کنگره، قانون خدمات خارجی را تصویب کرد که خدمات خارجی را سازماندهی کند و یک موسسه خدمات خارجی ایجاد کرد تا هم آموزش اولیه و هم آموزش ضمن خدمت را به طور منظم در طول مشاغل افسران خدمات خارجی و سایر کارکنان ارائه دهد. (Leeds-Hurwitz, 2014:17-20)

برای فهم ارتباطات میان‌فرهنگی ابتدا باید مفهوم فرهنگ را شناخت. اگر به تاریخ مفهوم culture (فرهنگ) بنگریم، به معنای کشت و کار و کشاورزی بوده و رفته رفته به معنای پرورش و پیشرفت اجتماعی به کار می‌رفت. از سال ۱۹۵۲ واژه فرهنگ در علم معنای جدید و خاصی به خود گرفته است و به دسته‌ای از صفات و فرآورده‌های جوامع انسانی و در نتیجه بشریت اشاره دارد که غیر وراثت زیستی بوده است (آشوری، ۱۳۵۷: ۲۹).

از نظر ساروخانی فرهنگ در حوزه دانش، هرآنچه را که از طریق ارتباط متقابل آموخته می‌شود، در بر می‌گیرد (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۱۶۵). در این تعریف به دو مولفه فرهنگ و ارتباطات توجه ویژه‌ای شده است و دو مفهوم فرهنگ و ارتباطات در وابستگی به هم درک می‌شوند. در رویکرد افراطی‌تر به بحث می‌توان به نظر ادوارد هال (۲۰۱۴) اشاره نمود که از وابستگی فرهنگ و ارتباطات عبور کرده و این دو مفهوم را یکی می‌انگارد. او در آنچه می‌توان به عنوان یکی از رساله‌های بنیادی حوزه ارتباطات میان‌فرهنگی در نظر گرفت، نوشت: «فرهنگ ارتباط است و ارتباط فرهنگ است» (Hall, 2014: 59). فرهنگ و ارتباطات دو مفهوم به هم وابسته هستند که می‌توان آن‌ها را به عنوان ویژگی متمایز انسان از سایر موجودات دانست. در واقع بدون فرهنگ، ارتباطات انسانی امری بی‌معنا بوده و همچنین پویایی فرهنگ از جمله ویژگی‌های ذاتی فرهنگ محسوب می‌شود و بدون ارتباطات انسانی فرهنگ، پویایی خود را از دست داده و با از بین رفتن این ویژگی ذاتی، خود فرهنگ از بین می‌رود. بنابراین در این مقاله این دو مفهوم ذاتی انسان (فرهنگ و ارتباطات) در وابستگی با هم درک می‌شوند.

## 1. Silent Language

برای ورود به بحث ارتباطات میان‌فرهنگی باید مفاهیم مرتبط و نزدیک بدان را از هم تفکیک نمود. در جدول شماره (۱) به این مفاهیم پرداخته شده است.

جدول شماره (۱): برخی مفاهیم مرتبط با فرهنگ و ارتباطات

مفهوم	معادل انگلیسی	تعریف
ارتباطات فرهنگی	Cultural Communication	فرآیند تماس با فرهنگ دیگر است که می‌تواند به طور یک سویه یا دو سویه باشد. در حالت اخیر، داد و ستد یا مبادله فرهنگی پدید می‌آید. (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۱۶۰)
ارتباطات درون فرهنگی	Intracultural Communication	به نوعی از ارتباط می‌گویند که اعضای یک فرهنگ واحد در درون خود برقرار می‌کنند. (رضی، ۱۳۷۷: ۱۵۱)
ارتباطات بین فرهنگی	Cross-cultural Communication	فهم ارتباطات در درون هر فرهنگ از منظر و نقطه نظر بیرونی‌ها. (فیاض، ۱۳۸۹: ۳۵۵)
ارتباطات میان‌فرهنگی	Intercultural Communication	ارتباط مردمانی با فرهنگ‌ها یا پاره فرهنگ‌های هویتی متفاوت، با یکدیگر. (غمامی و اسلامی تنها، ۱۳۹۵: ۱۵)

«ارتباطات میان‌فرهنگی؛ یک حوزه پژوهش است که به چگونگی تعامل افرادی از زمینه‌ها و بسترهای فرهنگی مختلف با یکدیگر مربوط می‌شود. گفتگوی فرهنگی یا درک کردن تفاوت‌های زبانی یا آنچه به واسطه تعاملات انسانی ساخته می‌شود و همچنین تاثیری که این تعاملات بر روابط گروهی و هویت افراد، گرایش‌ها و عقاید می‌گذارند، نیز به این حوزه مربوط می‌شود» (Hua, 2016:4). در زمینه کارکرد این دانش می‌توان بیان کرد که «نظریه ارتباطات میان‌فرهنگی مناسب، نظریه‌ای عملی است که می‌تواند، به افراد برای برقراری ارتباط کارآمد در گستره متنوعی از زمینه‌های فرهنگی کمک کند» (Ting-Toomey, 1988: 213). در ارتباطات میان‌فرهنگی بر خلاف نگاه توده‌ای به جامعه، افراد دارای آگاهی و قدرت انتخاب و اختیار هستند و این موضوع بر دو مولفه حضوری بودن و توجه به فرد در این نوع ارتباطات تأکید دارد.

مارتین و ناکایاما برای ساختن چهارچوب نظری در ارتباطات میان‌فرهنگی، رویکردی دیالکتیکی که منظری برای حفظ تعادل، فرآیندی، رابطه‌ای و طبیعت متناقض است را به ارتباطات میان‌فرهنگی پیشنهاد می‌کند. این الگو به شکل جامعی به مسائل و دوگان‌های ارتباطات

میان‌فرهنگی پرداخته است و از این جهت می‌تواند، تصویر جامع و واقع به چالش‌ها و موضوعات حوزه ارتباطات میان‌فرهنگی ارائه بدهد. این الگو ۶ محور دارد که عبارتند از: ۱- دیالکتیک فردی- فرهنگی: ارتباطات، امری فرهنگی است، به این معنا که ما الگوهای ارتباطی مشترکی را با دیگران داریم و در عین حال ارتباطات امری فردی است، به این معنا که برخی الگوهای ارتباطی ما مختص خودمان است. ۲- دیالکتیک شخصی- زمینه‌ای: اگرچه ما در سطح شخصی با دیگران ارتباط داریم، همزمان زمینه ارتباط نیز اهمیت بسیاری دارد. ۳- دیالکتیک شباهت‌ها و تفاوت‌ها: بی‌توجهی به تفاوت‌ها به غفلت از متغیرهای فرهنگی می‌انجامد و بی‌توجهی به شباهت‌ها منجر به تعصب خواهد شد. ۴- دیالکتیک پویا- ایستا: برخی الگوهای ارتباطی به طور نسبی ثابت هستند، در حالی که برخی ابعاد دیگر در طول زمان تغییر می‌یابند. ۵- دیالکتیک تاریخ/ گذشته- حال/ آینده: از یک سو لازم است، به نیروها و واقعیت‌های معاصر که کنش‌های متقابل مردمان فرهنگ‌های مختلف را شکل می‌دهد بنگریم و از سوی دیگر به تاریخ که تاثیرات گسترده‌ای بر وقایع معاصر دارد. ۶- دیالکتیک مزایا- معایب: مردمان در ارتباطات میان‌فرهنگی همزمان از برخی جهات مزیت‌هایی دارند و از جهاتی دیگر دچار محرومیت‌هایی هستند (مارتین و ناکایاما، به نقل از غمامی و اسلامی تنها، ۱۳۹۵: ۶۷-۶۹).

### فطرت

**بحث لغوی و قرآنی:** فطرت از ماده «فَطَرَ» سرچشمه گرفته به مفهوم ابداع و خلق کردن است و به یک معنا آن را نوآوری و آفرینش بدون سابقه می‌دانند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۳۹۶). فطرت بر وزن فِعْلَة دلالت بر نوع خاص آفرینش دارد بر این اساس فطرت انسان یعنی نوع خاص آفرینش الهی انسان که بدیع است و او را از سایر مخلوقات متمایز می‌کند. «طرح فطرت، مخصوص قرآن کریم است» (جوادی آملی، ۱۳۹۷: ۶۸). آیه ۳۰ سوره روم قرآن کریم که به آیه فطرت مشهور است، به موضوع فطرت الهی اشاره دارد: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَیْمُ وَلَكِنْ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا یَعْلَمُونَ». بر اساس تصریح این آیه شریفه همه انسان‌ها دارای فطرتی الهی و تغییر ناپذیر هستند که با دین حنیف و حق گرایانه ارتباطی تنگاتنگ دارد. آیه مهم دیگر، آیه میثاق است که به عهدی که خداوند از انسان‌ها در جهت پرستش و اطاعت از خدا گرفته شده پرداخته است: «وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا یَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا

كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ<sup>۱</sup>». طبق تصریح این آیه شریفه انسان معرفتی فطری به حق تعالی دارد.

**فطرت؛ منشا دین:** «روح تعلیمات انبیا درباره اصول دین، همان توجه دادن به فطرت است» (جوادی آملی، ۱۳۹۷: ۷۳). انسان‌ها دارای دو نوع هدایت هستند؛ هدایت فطری و هدایت اکتسابی. تا کسی چراغ هدایت فطری‌اش روشن نباشد، هدایت اکتسابی برای او فایده‌ای ندارد. منشا و مبنای دین یک خواست و تقاضای فطری است که خداوند با بعثت پیامبران بدان نیاز پاسخ می‌دهد. فطرت دو نوع است؛ فطرت ادراکی و فطرت احساسی. در فطرت ادراکی دین فطری است، یعنی از نظر ادراکی فطری است. در فطرت احساسی توجه به خدا و حتی توجه به دستوره‌ای دین به گونه‌ای است که احساسات انسان، انسان را به سوی خدا و به سوی دین می‌کشاند (مطهری، ۱۳۹۴: ۲۳۵-۲۶۱).

اینک برای روشن‌تر شدن معنای فطرت و مصادیق خصوصیات فطری به برخی از ویژگی‌ها و شاخصه‌های فطرت اشاره می‌شود:

**حقیقت‌جویی:** مقصود از مقوله حقیقت‌جویی یا دریافت واقعیت جهان یا دانایی این است که در انسان گرایش به کشف واقعیت‌ها و درک حقایق اشیا وجود دارد. اساساً حکمت و فلسفه نیز هدفش همین است. حقیقت‌جویی از نظر فیلسوفان همان کمال نظری انسان است. معادل حقیقت‌جویی در روان‌شناسی حس کاوش و سوال است (مطهری، ۱۳۹۴: ۷۴-۷۸). «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا<sup>۲</sup>؛ شهید مطهری معنای حنیف را میل و گرایش به حقیقت می‌داند و معتقد است که در فطرت انسان حنیفیت هست، یعنی در فطرت او حق‌گرایی و حقیقت‌گرایی هست (مطهری، ۱۳۹۴: ۲۹). آیه ۱۷ سوره رعد به ویژگی‌های حقیقت‌پرداخته است: «أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حَلِيبَةٍ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِثْلُ مَثَلٍ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُتُ فِي الْأَرْضِ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ». ویژگی‌های حق و باطل بر اساس این آیه عبارتند از: ۱- حق پایدار و باطل در معرض نابودی است؛ ۲- باطل، خاصیت و فایده‌ای ندارد ولی حق سرچشمه برکات است؛ ۳- باطل ظاهری فریبنده دارد ولی حق از هر نوع فریبندگی به دور است؛ ۴- باطل در خودنمایی و پایداری موقت، مدیون حق است؛ ۵- باطل به شکل‌های گوناگون و چهره‌های مختلف خودنمایی می‌کند؛ ۶- باطل همواره از محیط‌های آشفته و پرهرج و مرج استفاده کرده و خود را نشان می‌دهد.

۱. سوره اعراف، آیه ۱۷۲.

۲. سوره روم، آیه ۳۰.

در رابطه با ویژگی حق طلبی و حقیقت‌جویی نکته‌ای وجود دارد که در اتصال نظریه فطرت با حوزه مطالعات میان‌فرهنگی بسیار کارآمد و حائز اهمیت است و آن اینکه حقیقت و حقیقت‌جویی هر دو اموری کاملاً مشکک و دارای شدت و ضعف هستند. یعنی کشف حقیقت و حقیقت‌طلبی از نازل‌ترین مراتب و مصادیق آن در عالم دنیا و زندگی روزمره تا عمیق‌ترین مصداق آن که وجود مبدا هستی یعنی حق تعالی است برآمده از خصوصیت فطری حقیقت‌طلبی انسان است. به بیان دیگر انسان به تبع خصوصیت فطری حقیقت‌طلبی همواره به دنبال جداسازی حق از باطل در دامنه هر معرفت و عملی است. البته این خصوصیت فطری در بسیاری از انسان‌ها تنها در برخی از مراتب و ابعاد وجودی آنها یعنی برخی از افعال، اخلاق و عقاید آنها ظهور و بروز می‌یابد ولی در انسان‌های موحد و کمال یافته به فعلیت تام می‌رسد و مبداء حقیقت یعنی حق تعالی در کانون حقیقت‌طلبی فطری در آنها فعلیت تام می‌یابد.

**ثابت و همیشگی:** آیه «لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ» از قرآن کریم، بر عدم امکان تغییر فطرت الهی اشاره داشته، هر چند بسیاری از مردم بر اثر عدم رشد کافی قادر به درک این واقعیت نباشند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴۱۹). «امور فطری، همواره در طول تاریخ، ثابت است و چنان نیست که فطرت موجودی در برهه‌ای از تاریخ، اقتضای خاصی داشته باشد و برهه دیگر، اقتضای دیگری.» (مصباح، ۱۳۸۹: ۶۵)

**ذاتی انسان و غیر اکتسابی:** فطریات هر نوعی از موجودات در همه افراد آن نوع، یافت می‌شود. به بیان دیگر ویژگی‌های فطری اموری عرضی و خارجی نیستند و از کنه وجود انسان بر می‌خیزند. هر چند میزان و کیفیت فعلیت آنها در میان انسان‌ها کاملاً متفاوت و نیاز به تعلیم و تربیت دارد. به عنوان مثال همه انسان‌ها به طور فطری حقیقت‌جو، زیبایی‌طلب، کمال‌طلب و لذت‌طلب هستند اما اینکه این خصوصیات فطری به چه میزان و در قالب چه مصادیقی فعلیت یابد وابسته به تربیت، تعقل، اراده و عمل و سایر شرایط زمینه‌ای است. (مصباح، ۱۳۸۹: ۶۵)

**غیر تحمیلی:** فطرت یک ویژگی بالقوه در وجود آدمی بوده که غیر تحمیلی است و انسان را نسبت به عملی مجبور نمی‌کند. از این جهت فطرت مانع آزادی و قدرت انتخاب انسان نبوده و یک نوع گرایش محسوب می‌شود.

**کمال‌طلبی:** هر چند ویژگی‌ها و گرایش‌های متعددی به عنوان گرایش‌های فطری در انسان قابل شناسایی و توضیح است اما می‌توان نشان داد که میان این گرایش‌های فطری نوعی تقدم و تاخر

رتبی وجود دارد و برخی بنیاد و ریشه سایر خصوصیات فطری هستند. از این رو می‌توان گفت مبداء تمامی گرایش‌های فطری نظیر: ۱- حس جستجوی حقیقت؛ ۲- حس ابتکار، ابداع و نوآوری؛ ۳- حس تمایل به نیکی و فضیلت‌های اخلاقی؛ ۴- میل به زیبایی، در کمال‌طلبی و میل انسان به کمال بی‌نهایت است. به بیان دیگر انسان چون فطرتا به دنبال حقیقت و کمال مطلق است به سوی هر کمال، زیبایی و حقیقتی در دامنه فعل و اخلاق و عقیده خود میل دارد و در عین حال به هیچ مرتبه محدودی از کمال راضی و قانع نمی‌شود و با رسیدن به هر حدی از آن به دنبال مرتبه‌ای کامل‌تر است (جوادی آملی، ۱۳۹۷: ۶۰).

### دلالت‌های نظریه فطرت در ارتباطات میان‌فرهنگی

#### زبان و فطرت

در این بخش به فطرت و زبان از دو بعد نگاه می‌شود؛ نخست فطری بودن اصل نیاز به زبان و دوم فطرت به مثابه زبان.

ارتباطات یک امر فطری محسوب می‌شود و سرّ آن به بروز خصوصیات و مقاصد درونی انسان و بیان داشته‌های خود است. از این رو پیدایش زبان نیز فطری است (لبخندق، ۱۳۹۰: ۷۱). در زبان‌شناسی نظری سه پرسش اصلی مطرح می‌شود؛ دانش زبان چیست؟ دانش زبان چگونه فراگرفته می‌شود؟ دانش زبان چگونه به کار گرفته می‌شود؟ از نظر چامسکی پرسش دوم و سوم به ترتیب مساله افلاطون و مساله دکارت هستند. از پیشگامان و مدافعان اصلی فطری بودن زبان، نوام چامسکی<sup>۱</sup> است. دلایل مختلفی در زمینه فطری بودن زبان توسط این زبان‌شناس مطرح است که عبارتند از: ۱- انتخاب قاعده درست در زبان، از این واقعیت ناشی است که خود دستگاه اکتساب به سوی قواعد دستوری نوع خاص، جهت دار شده است؛ ۲- یگانه فرض معقول دستوری حرف زدن ما این است که استعداد آن را داریم و این استعداد مبتنی بر مجموعه پیچیده‌ای از قواعد (دستور جهانی) است که از طریق آزمون و خطا آموخته نمی‌شوند، این قواعد در ضمیر ناخودآگاه و فطری هستند؛ ۳- نظام زبان پیچیده بوده ولی یادگیری آن برای بشر و کودکان آسان است؛ ۴- با وجود تنوع جمله‌های گویندگان زبان هنگام فراگیری با آن مواجه هستند، میزان شباهت‌های دستور زبان‌هایی که حاصل این فرایند یادگیری است، بسیار چشمگیر است؛ ۵- زبان آموزی مراحل مشترکی دارد؛ ۶- زبان آموزی دوره خاصی دارد و بعد از مدتی به شدت کاهش می‌یابد؛

1. Avram Noam Chomsky

۷- ساز و کارهای واج‌شناسی بنیاد ذاتی دارند؛ ۸- در اندام‌های گویایی و به ویژه در مغز انسان شواهدی یافت می‌شوند که ذاتی یا تکاملی بودن شالوده‌های زبان را تأیید می‌کنند؛ ۹- اگر زبانی تابع و هماهنگ با اصول فطری و همگانی زبان نباشد، قابل یادگیری نخواهد بود؛ ۱۰- از بین رفتن زبان در نتیجه زبان پریشی، در جهت عکس فراگیری زبان در کودکی است و ۱۱- گفتارهای اولیه کودکان نشان‌دهنده انحراف‌های منظم و قاعده‌مند از هنجارهای زبان بزرگسالان است که در اصطلاح هماهنگی صامت‌ها نامیده می‌شود. (خندان، ۱۳۸۴: ۱۷۹-۱۹۵)

علاوه بر اینکه خود زبان فطری است، فطرت نیز در نقش زبان ارتباطی بوده و از این جهت خود یک مکانیزم ارتباطی محسوب می‌شود. زبان فطرت برخلاف زبان‌های رایج اقوام و ملل اعتباری نبوده بلکه سرمایه تکوینی انسان‌هاست که هیچکس نمی‌تواند دلالت‌های معنایی آن را تغییر دهد (لبخندق، ۱۳۹۰: ۷۲). با توجه به اینکه فطرت، ذاتی و مشترک انسان و قابل فهم برای تمام انسان‌های جهان است، بنابراین یک زبان ارتباطی جهانی و همه فهم محسوب می‌شود. از سوی دیگر این زبان ارتباطی بین خدا و انسان نیز هست. به بیان دیگر انسان به وسیله فطرت نجوای خداوند در درون و گرایش به امور فطری را می‌فهمد و از سوی دیگر با حرکت در مسیر فطرت، گویی با پروردگار خود سخن می‌گوید. زبان فطرت، یک زبان ارتباطی بین انسان- انسان و انسان- خدا بوده و از آن جهت که زبان یک ابزار ارتباطی است، می‌توان بیان کرد که زبان ارتباطی فطرت جامعیت و قدرت بالایی در ارتباط گیری دارد.

به بیان دیگر فطرت حقیقت‌طلبی و کمال‌طلبی انسان منشاء ارتباط او با خداوند و سایر انسان‌ها می‌شود و با وجود تمامی تفاوت‌های فرهنگی، تربیتی، تاریخی و اعتباری در شکل‌گیری انواع زبان‌ها، منطق کلی حقیقت‌طلبی و کمال‌طلبی در تمامی این زبان‌ها به گونه‌های مختلف ظهور و بروز دارد و انسان‌ها بر اساس این منطق به تعامل و ارتباط با یکدیگر اقدام می‌کنند. در واقع زبان ابزاری برای درک حقیقت معانی و مقاصد سایر انسان‌ها در ارتباطات انسانی است و این ارتباطات انسانی خود ابزاری برای وصول به کمال برتر است.

## خدا

زبان ارتباطی فطرت

زبان ارتباطی فطرت

## انسان

زبان ارتباطی فطرت

## انسان

نمودار شماره (۱): فطرت به مثابه زبان ارتباطی بین انسان - انسان و انسان - خدا

### فطرت و ارتباطات میان ادیانی

پرداخت به یک ادبیات نظری تخصصی پیرامون ارتباطات میان‌فرهنگی با دال مرکزی دین و دینداری، ارتباطات میان ادیانی نامیده می‌شود. به طور کلی می‌توان در مقام توصیف اهدافی را برای ارتباطات میان ادیانی بیان کرد: ۱- رسیدن به یک اخلاق جهان شمول همه پسند. ۲- تقویت پلورالیسم و بی‌طرفی، تکمیل ادیان با استفاده از نقاط مثبت یکدیگر به گونه‌ای که هرکس بتواند، هر دینی که دارد، موفق‌تر باشد. ۳- کشف حقیقت واحد که از نظر مسلمین همان دین اسلام است و هدف از ارتباطات میان ادیانی با این دید، اثبات اسلام و گرویدن پیروان سایر ادیان به آن است. ۴- رفع تعارضات و سوء تفاهم‌ها از طریق تأکید بر مشترکات (بشیر و دیگران، ۱۳۹۴: ۲۷ و ۳۰).

در قرآن کریم نیز بحث ارتباطات میان ادیان در آیه ۶۴ سوره آل عمران مورد توجه است: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ». خطاب در این آیه به عموم اهل کتاب است و در حقیقت دعوت به این است که همه بر معنای یک کلمه متفق و مجتمع شویم، به این معنا که بر مبنای آن کلمه واحد عمل کنیم و اگر نسبت را به خود کلمه داده، برای این بوده که بفهماند کلمه نامبرده چیزی است که همه از آن دم می‌زنند و بر سر همه زبان‌ها است، در بین خود ما مردم هم معمول است که می‌گوئیم: مردم در این تصمیم یک‌دل و یک زبانند و این می‌فهماند که در اعتقاد و اعتراف و نشر و اشاعه آن همه متحدند، در نتیجه معنای آیه مورد بحث چنین می‌شود: بیایید همه به این کلمه چنگ بزنیم و در نشر و عمل به لوازم آن دست به دست هم دهیم (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۸۹).

فطرت به عنوان بستر و زمینه پذیرش دین است و از این جهت منشا تمام ادیان الهی محسوب می‌شود. در واقع گفتگوی میان ادیانی با محوریت فطرت می‌تواند، زمینه مشترکی برای گفتگو و مفاهیم فراهم آورد. از جمله فواید توجه به فطرت در ارتباطات میان ادیانی این است که از اختلافات حاصل از احکام دینی و منابع و به طور کلی شریعت صرف نظر می‌شود و اصل مشترک فطرت مورد توجه قرار می‌گیرد که این موضوع موجب تقریب ادیان الهی ذیل فطرت و مفاهیم توحیدی می‌شود همچنین فطرت می‌تواند، به عنوان یک مولفه جهان شمول توحیدی، سنگ بنای اخلاق جهان شمول شود که در پس گفتگو و ارتباطات میان ادیانی برجسته می‌شود.

### مذاکره و گفتگو مبتنی بر فطرت

«مفهوم مذاکره به عنوان یک فرایند کنش‌مند عاملی تعریف می‌شود که به موجب آن افراد در یک موقعیت میان‌فرهنگی سعی می‌کنند، تا تصویر شخصی مطلوب از خود و دیگران را نمایش دهند، تعریف کنند، به چالش بکشند یا مورد حمایت قرار دهند» (Ting-Toomey, 1988) (به نقل از گادیکانست، ۱۳۹۶: ۳۸۴). شرط لازم در مذاکره و گفتگو اختیار و انتخاب است که بدون آن مذاکره و گفتگو بی‌معنا می‌شود. یکی از ویژگی‌های فطرت اختیاری بودن و غیر تحمیلی بودن آن است و از این جهت فطرت نه تنها مانع گفتگو و مذاکره نیست، بلکه با توجه به حس کمال‌طلبی و حقیقت‌جویی که در فطرت است، انسان را به سوی کشف حقیقت رهنمون می‌کند. در واقع خواسته‌های فطری از عمق جان انسان بر می‌خیزد و برخلاف خواسته‌های غیر فطری حاصل تلقین و فشار و تهدید و سایر عوامل خارجی نظیر اجتماعی، فرهنگی، تاریخی، سیاسی و ایدئولوژیک تربیتی نیست. وقتی انسان به خواسته‌های فطری خود عمل می‌کند احساس اوج آزادی را دارد، زیرا احساس می‌کند به آنچه واقعا از کنه قلبش می‌خواست عمل می‌کند و هیچ امر خارجی در اراده او تاثیر گذار نبوده است.

یکی از موانع حقیقت‌جویی، کبر و خودبینی است. در یک گفتگو و مذاکره نیز کبر و خودبینی موجب عدم شکل‌گیری گفتگوی سالم و مانع کشف حقیقت می‌شود. خداوند در قرآن کریم نیز در مورد کبر و خودبینی که غیر فطری و مانع حقیقت‌جویی است، میفرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يَجَادُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ إِنْ فِي صُدُورِهِمْ إِلَّا كِبْرٌ مَا هُمْ بِبَالِغِيهِ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ<sup>۱</sup>». بنابراین برای تحقیق یک گفتگو و مذاکره سالم بایستی بدون تعصب و تکبر بر رای خود به دنبال کشف حقیقت باشیم. البته این عدم تکبر به معنای تواضع و تسلیم در برابر هر اندیشه و

۱. سوره غافر، آیه ۵۶.

دیدگاهی نیست و فطرت انسان تنها در برابر حق و حقیقت سر تسلیم فرود می‌آورد. «وَلَا يَتَّخِذُ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ»، براساس این آیه در جامعه انسانی، همگی افراد حقیقت واحدی دارد و مصادیق نوع انسان هستند، بنابراین اینکه جامعه یا فردی، برای فرد دیگر چنان خضوع کند که گویی شخص خاضع، از اینکه فردی از افراد جامعه انسانی است، خارج شده است، مقتضی ابطال فطرت و منهدم شدن بنیان انسانیت است (غفوری نژاد، ۱۳۹۴: ۶۸). حفظ ارزش خود و دیگری یک اصل مهم در گفتگو و مذاکره محسوب می‌شود. در واقع از مجموع این دو مولفه اخیر (عدم خودبینی و حفظ ارزش خود و دیگری) به رعایت تعادل در نوع مواجهه با دیگران پی برده می‌شود.

از منظر آیت الله شاه آبادی یکی از مقولات فطری احترام است که خود شامل گرایش‌های مختلف است. یکی از گرایش‌های فطرت احترام به آنچه حاضر است و وجود دارد (شاه آبادی و اسدی، ۱۳۹۶: ۹۲). بر این مبنا احترام متقابل دو انسان در گفتگو و مذاکره به عنوان یک اصل فطری محسوب می‌شود.

مطالبی را که عقل اثبات می‌کند، پاسخ به ندای فطرت است و انسان اگر چیزی را که عقل اثبات می‌کند، پذیرفت، به خواسته فطرت خود پاسخ مثبت گفته است (جوادی آملی، ۱۳۹۷: ۱۴۷). توجه به بحث منطقی و عقلانی و پایبند بودن بدان یک خواسته فطری است که در گفتگو و مذاکره مورد توجه است.

خصوصیات فطری تضمین‌کننده یک مذاکره و گفتگوی سالم و سازنده است. توجه به اصل اختیار، عدم خودبینی، ارزش خود و دیگری، احترام و سخن منطقی همگی برای یک گفتگوی سازنده لازم است، بنابراین فطرت می‌تواند گفتگوی سازنده در ارتباطات میان‌فرهنگی را تقویت کند.

### فطرت و هویت<sup>۱</sup>

به طور کلی پاسخی که به پرسش «کیستی؟» مطرح می‌شود، همان هویت است. هویت دارای دو بعد سلبی و ایجابی است. بعد ایجابی هویت به اشتراکات اشاره داشته و مولفه‌ای است که من را به ما تبدیل می‌کند. بعد سلبی هویت همان عامل اختلاف و غیریت ساز است که تفاوت دو هویت متفاوت است. به عنوان مثال مولفه اسلام بعد مشترک و ایجابی در کشورهای جهان اسلام بوده و مولفه ملیت بعد سلبی و غیریت ساز همین کشورهای جهان اسلام از هم بوده است. همچنین از سوی دیگر می‌توان هویت را به دو سطح فردی و جمعی تقسیم نمود و به دلیل تمرکز این تحقیق

#### 1. Identity

پیرامون بحث میان‌فرهنگی، سطح جمعی و فرهنگی هویت بیشتر مورد توجه است. بحث خود و دیگری از جمله مقولات مهم در بحث هویت و ابعاد سلبی و ایجابی آن است. محوری‌ترین خصوصیت نظریه انسان‌شناختی توضیح رابطه فرهنگ و هویت در قالب دو مفهوم خود و دیگری است (فکوهی، ۱۳۸۱: ۲۲).

بر اساس آیه ۱۳ سوره حجرات: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ»<sup>۱</sup>، دو مقام و مرحله خلق و جعل از هم متمیز داده می‌شود. در مقام و مرحله خلق، طبیعت انسان‌ها یا چگونگی آفرینش خود و دیگری و در مقام و مرحله جعل، فرهنگ آنان یا کیفیت پیدایش خود و دیگری توجه شده است (غمامی و اسلامی تنها، ۱۳۹۵: ۱۲۲). بر این اساس، هویت فرهنگی انسان‌ها در مرحله و مقام خلق با هم مشترک بوده و این مرحله به عنوان یک ویژگی هویتی مشترک و بعد ایجابی در بین همه فرهنگ‌ها مطرح بوده است. در مقام و مرحله جعل تفاوت‌ها و تمایزات فرهنگ‌ها نمایان است. به بیان دیگر شعوب و قبایل در این مرحله از هم جدا شده و اشاره به بعد سلبی و غیریت ساز هویت فرهنگی دارد.

فطرت و ویژگی مشترک و ذاتی همه انسان‌ها است. فطرت بعد ایجابی و مشترک همه هویت‌های فرهنگی است و هیچ انسان و فرهنگی را نمی‌توان یافت که از فطرت بی‌بهره باشد. این هویت مشترک و جهانی می‌تواند، زمینه گفتگو و تعاملات فرهنگی را با تأکید بر خود فطرت فراهم آورد. گفتگو و تعاملی که بر اساس فطرت باشد، حقیقت محور است و موجب فعلیت میل کمال‌طلبی فطری است.

### توجه به اصل حقیقت‌جویی در مواجهه فرهنگی

هرچند فرهنگ‌ها دارای تفاوت‌های فراوان و بعضاً عمیقی با یکدیگر هستند اما در هر یک از آن‌ها ابعاد و لایه‌هایی از خصوصیات فطری انسان‌ها مجال ظهور و بروز یافته است و توجه به این مطلب می‌تواند نحوه شکل‌گیری ارتباطات میان‌فرهنگی فطرت محور را روشن نماید. در واقع اگر فطرت انسان حق‌طلب و کمال‌طلب است در ظرف هر فرهنگی می‌توان نمونه و مصادیقی از حقیقت‌طلبی و کمال‌طلبی را پیدا نمود و همان مصداق را مبدئی برای شروع تعامل و ارتباطات میان‌فرهنگی فطرت محور قرار داد و از پنجره همان خصوصیت فطری مجال توسعه تعاملات میان‌فرهنگی را فراهم آورد.

۱. ای مردم، ما همه شما را نخست از مرد و زنی آفریدیم و آن‌گاه شعبه‌های بسیار و فرق مختلف گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید، همانا بزرگوار و با افتخارترین شما نزد خدا با تفاوت‌ترین شمایند، همانا خدا کاملاً دانا و آگاه است.

بر این اساس حتی در فرهنگ‌های غیر توحیدی نیز می‌توان رگه‌هایی از ابعاد و گرایش‌های فطری، حقیقت‌طلبی و کمال‌طلبی را یافت و آنها را مبدئی برای ارتباطات میان‌فرهنگی قرار داد. انسان با توجه به فطرت حقیقت‌جو به سمت حقایق و واقعیات گرایش دارد و آنچه را که منطبق بر منطق حق است، را می‌پذیرد. توجه به این اصل حقیقت‌جویی در ارتباطات میان‌فرهنگی می‌تواند، زمینه تعامل و مفاهیم را فراهم آورد، زیرا هر یک از فرهنگ‌های مختلف در اقصی نقاط دنیا می‌توانند، بهره‌ای از حقیقت را برده باشند و همین موضوع زمینه اتفاق نظر و حس مشترک خواهد بود. توجه به اصل حقیقت‌جویی، یک ویژگی جهان‌شمول بوده و به یک فرهنگ و تمدن محدود نمی‌شود و یک اصل همگانی است.

به طور مثال یکی مهم‌ترین ویژگی‌های جهان‌فرهنگی غرب توجه به علم‌گرایی است. حال اصل علم‌گرایی به عنوان یکی از مصادیق کمال‌طلبی و فارغ از قرائت‌های الحادی و سکولار آن به عنوان یک ویژگی حق‌جویانه فطری است که می‌تواند، مورد توجه کل انسان‌ها قرار گرفته و بر این اصل جهان وارد تعامل و گفتگو شود. به طور اختصاصی می‌توان توجه به علم و کرسی‌های گفتگو علمی را یکی از ظرفیت‌های فطری و حقیقت‌جویانه بشریت دانست. همچنین مردم دنیا به علم و دانش اعتماد می‌کنند و فعالیت‌های دانشمندان و اندیشمندان را معتبر می‌شمارند که این موضوع ریشه در فطرت حقیقت‌جوی بشریت دارد.

همچنین در فرهنگ‌های مختلف معمولاً فضائل و رذائل اخلاقی مختلفی مجال ظهور و بروز می‌یابد که در این میان فضائل اخلاقی به عنوان تجلی حقیقت‌طلبی فطری می‌تواند مجال ارتباطات میان‌فرهنگی را فراهم آورد. به طور مثال هر یک از فضائل عدالت، برادری، مساوات، ایثار، مهربانی، سخاوت، حیا، غیرت و ... اگر در فرهنگی مجال ظهور و بروز خاص یافته می‌شود می‌تواند نقطه تأکید و آغازی برای ارتباطات میان‌فرهنگی فطرت محور باشد.

### نقش فطرت در تماس فرهنگی و تغییر فرهنگی

دوگان اختیارگرایی - جبرگرایی از جمله مفاهیم حوزه فلسفه علوم اجتماعی است. در رویکرد جبرگرایی انسان و فعالیت‌های او را کاملاً تعیین شده از ناحیه موقعیت یا محیط انسان می‌داند. در طرف دیگر اختیارگرایی انسان را کاملاً مستقل و موجودی مختار می‌بیند (بوریل و مورگان، ۱۳۹۶: ۲۲). این دوگان در جامعه‌شناسی به ساختار (جبر محیطی) و عاملیت (توجه به اختیار فردی) نیز شهرت دارد، البته رویکرد میانه‌ای و تلفیق‌گرا نیز وجود دارد که ساختار و عاملیت را به صورت دیالکتیک درک می‌کند.

اندیشه فطرت گرا در تقابل دو رویکرد ساختار و عاملیت، باورمند به دیالکتیکی ظریف میان فرد و ساختار و جزء و کل است. اگر ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، بر چگونگی کردار انسان‌ها تأثیری غیر قابل انکار دارند، در مقابل کردار انسانی نیز به نوعی در ایجاد آن ساختارها دخیل است انسان مورد نظر اندیشه فطرت گرا نمی‌تواند، مقید تام ساختارهای بیرونی قرار گیرد و اختیارش سلب گردد، بلکه مقتضی است در تعامل با ساختار و عاملیت در طی یک رابطه دیالکتیکی با آن‌ها استعلای وجودی‌اش را سامان بخشد تا ظرفیت‌های فطری او در عینت متبلور شود (زارعی، ۱۳۹۶: ۶۳). در دیدگاه علامه طباطبایی و شهید مطهری، سرآغاز ایجاد تحول فرد است، نه جامعه (جمشیدپها و فصیحی، ۱۳۹۰). در نگاه فطرت گرا علاوه بر توجه به دیالکتیک ساختار و عاملیت، «انسان دارای نوعی روان‌شناسی مقدم بر جامعه‌شناسی است، به این معنا که فطرت انسان قبل از اجتماع وجود دارد و در مقابل تأثیر روح جمعی از استقلال برخوردار است» (طالب‌زاده؛ مطهری فریمانی، ۱۳۹۷: ۸۰).

در ارتباطات میان‌فرهنگی نیز با توجه به اینکه بر روی ارتباط حضوری و چهره به چهره تأکید دارد، به فرد توجه بالایی می‌شود. به عبارت دیگر وقتی فردی که از فرهنگ خود با فردی از یک فرهنگ دیگر وارد ارتباط می‌شود، ارتباط میان فردی در بستر فرهنگ اهمیت می‌یابد. بر اساس آنچه گذشت، رویکرد فطرت گرا به موضوع ساختار و عاملیت ترکیبی و دیالکتیک است و از سوی دیگر نوعی تقدم روان‌شناسی بر جامعه‌شناسی دیده می‌شود. در این بین فطرت که ریشه در هویت انسان دارد، نقش بالایی در این دیالکتیک ایفا می‌کند. در واقع فطرت انسان بر روی عاملیت و فرد اثر گذاشته و این عاملیت و فرد بر روی ساختار اثر می‌گذارد و این ساختار نیز بر روی فرد اثر می‌گذارد که این ساختار می‌تواند، به فطرت میدان دهد و موجب رشد شود، یا اینکه این ساختار به سمت محدود کردن فطرت برود. در این نگاه گرایش فطری انسان نقش برجسته‌ای در ارتباطات میان‌فرهنگی ایفا می‌کند. در ارتباطات میان‌فرهنگی فطرت به عنوان یک عنصر مشترک انسانی، می‌تواند، نقش شروع و آغاز را برای یک ارتباط داشته باشد و پس از آن پروسه دیالکتیک ساختار و عاملیت را مدیریت نماید. بنابراین فطرت نقش برجسته‌ای در تماس فرهنگی و تغییر فرهنگی ایفا می‌کند.

### سیر تکامل تاریخ و ارتباطات میان‌فرهنگی

غمامی و اسلامی تنها معتقدند که براساس آیه ۱۳ سوره حجرات «وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا» هدف از فرهنگ‌ها، شعوب و قبیله‌ها، همشناسی (تعارف) و در پی آن نظام و ائتلاف در

۱. آن‌گاه شعبه‌های بسیار و فرق مختلف گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید.

بینشان است، تعارف ابتدا برای الفت و ائتلاف و سپس معرفت و عبادت موحدانه و اقامه عدل انجام می‌شود (غمامی و اسلامی تنها، ۱۳۹۵: ۲۰۵). بر این اساس ارتباطات میان‌فرهنگی از نظر اسلام با هدف همشناسی صورت می‌پذیرد که به معرفت، عبادت و عدالت منجر می‌شود. اگر موضوع ارتباطات میان‌فرهنگی و همشناسی را در نظر بگیریم، با تکامل بشریت پیوند دارد، زیرا این همشناسی نتایجی در بر دارد که به سوی کمال انسانی است. بنابراین ارتباطات میان‌فرهنگی و همشناسی در دراز مدت عامل تکامل و تعالی بشریت است.

شهید مطهری بیان می‌کند که «آینده جوامع بشری چگونه است؟ این مسئله وابسته است، به مسئله ماهیت جامعه و نوع وابستگی روح جمعی و روح فردی به یکدیگر. بدیهی است، بنا بر نظریه اصالت فطرت و اینکه وجود اجتماعی انسان و زندگی اجتماعی او و بالاخره، روح جمعی جامعه وسیله‌ای است که فطرت نوعی انسان برای وصول به کمال نهایی خود انتخاب کرده است، باید گفت: جامعه‌ها و تمدن‌ها و فرهنگ‌ها به سوی یگانه شدن، متحد الشکل شدن و در نهایت امر در یکدیگر ادغام شدن سیر می‌کنند و آینده جوامع انسانی، جامعه جهانی واحد تکامل یافته است که در آن، همه ارزش‌های امکانی انسانیت به فعلیت می‌رسد و انسان به کمال حقیقی و سعادت واقعی خود و بالاخره به انسانیت اصیل خود خواهد رسید» (مطهری، ۱۳۸۶، ج ۲: ۳۶۲). در واقع از منظر شهید مطهری فلسفه تاریخ مبتنی بر فطرت به سوی تکامل حرکت می‌کند. بنابر این ارتباطات میان‌فرهنگی بر مبنای همشناسی در این مسیر تکامل بشریت حرکت می‌کند.

## نتیجه‌گیری

ارتباطات میان‌فرهنگی به عنوان یک ویژگی ذاتی انسان، خود یک امر فطری محسوب می‌شود. در این پژوهش به برخی از دلالت‌های نظریه فطرت در ارتباطات میان‌فرهنگی پرداخت شد که عبارتند از:

- ۱- خود زبان به عنوان یک مقوله فطری محسوب می‌گردد، از سوی دیگر فطرت نیز به عنوان یک زبان ارتباطی بین انسان- انسان و انسان- خدا بوده است. ۲- دین بر اساس فطرت است و از این جهت فطرت به عنوان بستر مشترک ادیان می‌تواند نقش برجسته‌ای در ارتباطات میان‌ادیانی داشته باشد. ۳- توجه به اصل اختیار، عدم خودبینی، ارزش خود و دیگری، احترام و سخن منطقی از جمله مقولات مورد اهمیت از منظر فطرت در بحث مذاکره و گفتگو است که از نظر تسهیل ارتباطات میان‌فرهنگی مورد اهمیت است. ۴- هویت مشترک بین همه انسان‌ها فطرت است، از این جهت این هویت مشترک زمینه ارتباطات میان‌فرهنگی گسترده جهانی خواهد بود. ۵- یکی از ویژگی‌های فطرت حقیقت‌جویی بوده و این مولفه توجه به جنبه‌های حق یک فرهنگ در

ارتباطات میان فرهنگی است. ۶- نظریه فطرت به رویکرد سومی در مقابل دو رویکرد ساختارگرا و عاملیت قائل است که به صورت رابطه دیالکتیکی و ترکیبی عاملیت و ساختار بوده است. همچنین نظریه فطرت قائل به تقدم رویکرد روان شناختی بر جامعه شناختی است، به تعبیر دیگر فرد بر جامعه تقدم دارد و سرآغاز ایجاد تغییر و حرکت فرد است و نه جامعه. ارتباطات میان فرهنگی نیز بر فرد و ارتباطات میان فردی توجه ویژه دارد و از این جهت همواره فطرت نقش برجسته‌ای در تماس فرهنگی و به تبع آن ارتباطات میان فرهنگی ایفا می‌کند. ۷- ارتباطات میان فرهنگی از منظر نظریه همشناسی فرهنگی (الگوی قرآنی ارتباطات میان فرهنگی) حول مفهوم همشناسی در جهت معرفت، عبادت و عدالت است. در این رویکرد تکامل و تعالی بشر مورد توجه بوده است و از سوی دیگر فلسفه تاریخ از منظر فطرت به سوی تکامل حرکت می‌کند؛ بنابراین ارتباطات میان فرهنگی در سیر تاریخ همواره بشر را بسوی کمال حرکت می‌دهد. هر یک از دلالت‌های نظریه فطرت در ارتباطات میان فرهنگی که مورد بحث قرار گرفت، ظرفیت این را دارد که به صورت گسترده و در قالب پژوهش‌های مستقل مورد مطالعه و تحقیق قرار گیرد. همچنین دلالت‌های نظریه فطرت در ارتباطات میان فرهنگی به موارد مذکور در مقاله محدود نمی‌شود و پژوهشگران می‌توانند به موارد مختلفی که در این مقاله بدان پرداخت نشده اشاره نموده و آن را شرح و بسط دهند. از این جهت این پژوهش زمینه و مقدمه‌ای را برای مطالعات گسترده در موضوع ارتباطات میان فرهنگی و فطرت فراهم می‌آورد.

## فهرست منابع

قرآن کریم.

- آشوری، داریوش (۱۳۵۷). تعریفها و مفهوم فرهنگ. تهران: مرکز اسناد فرهنگی آسیا.
- بشیر، حسن؛ صافی اصفهانی، علی اکبر؛ صافی اصفهانی، محمد وحید (۱۳۹۴). «ارتباطات میان ادیانی؛ تعریف، مفاهیم، جایگاه»، الهیات تطبیقی. سال ۶. شماره ۱۴، صص ۱۷-۳۸.
- بوریل، گیسون؛ مورگان، کارت (۱۳۹۶). نظریه‌های کلان جامعه شناختی و تجزیه و تحلیل سازمان: عناصر جامعه شناختی حیات سازمانی. ترجمه محمد تقی نوروزی. تهران: انتشارات سمت.
- جمشیدبها، غلامرضا؛ فصیحی، امان الله (۱۳۹۰). «جامعه‌شناسی تاریخی در اندیشه شهید مطهری»، علوم اجتماعی (فردوسی مشهد)، سال هشتم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۰، صص ۵۳-۷۷.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۷). فطرت در قرآن، قم: مرکز نشر اسراء.
- خندان، علی اصغر (۱۳۸۴). نگاهی به ابعاد نظریه فطرت و فطری بودن زبان. قیسات. سال دهم، صص ۱۷۳-۱۹۸.
- دانایی فرد، حسن (۱۳۹۵). «روش‌شناسی مطالعات دلالت پژوهی در علوم اجتماعی و انسانی: بنیان‌ها، تعاریف، اهمیت، رویکردها و مراحل اجرا»، فصلنامه علمی- پژوهشی روش‌شناسی علوم انسانی. سال ۲۲. شماره ۸۶، بهار ۱۳۹۵، صص ۳۹-۷۱.
- دهقان، علیرضا و معتمدی، بشیر (۱۳۹۲). «الگوی دینی پیرامون ارتباطات بین فرهنگی»، فصلنامه راهبرد، سال ۲۲، شماره ۶۲، بهار ۱۳۹۲، صص ۷-۳۵.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: دار الشامیة، الأولى.
- رضی، حسین (۱۳۷۷). «ارتباطات میان فرهنگی؛ تاریخ، مفاهیم و جایگاه»، دین و ارتباطات، سال دوم، شماره ششم و هفتم، تابستان و پائیز ۱۳۷۷، صص ۱۶۶-۱۳۵.
- زارعی، مجتبی (۱۳۹۶). «بررسی تطبیقی قابلیت تبیین سیاسی رهیافت نهادگرایی و رهیافت فطرت‌گرا (سیاست متعالیه)، فصلنامه معرفت سیاسی، دوره هجدهم، شماره ۲، صص ۴۹-۶۶.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰). دایره المعارف علوم اجتماعی، تهران: کیهان.

- شاه آبادی، حمید؛ اسدی، محمدرضا (۱۳۹۶). «ساختار پیشینی نفس در نظریه فطرت آیت الله شاه آبادی»، پژوهشنامه فلسفه دین (نامه حکمت)، شماره ۲۹، بهار و تابستان ۱۳۹۶، صص ۷۷-۹۵.
- شعاعی، محمد حسین (۱۳۹۸). «واکاوی مولفه‌های بنیادین ارتباطات میان‌فرهنگی از منظر قرآن کریم: بررسی تشابهات و تفاوت‌ها»، اسلام و ارتباطات میان‌فرهنگی. شماره ۱، پائیز و زمستان ۱۳۹۸، صص ۶۳-۸۱.
- طالب زاده، سید حمید؛ مطهری فریمانی، محمد حسین (۱۳۹۷). «مفهوم فطرت؛ امکانی برای طرح نظریه فلسفه تاریخ»، فلسفه و کلام اسلامی، سال ۵۱، شماره یک، بهار و تابستان ۱۳۹۷، صص ۶۱-۸۶.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴). تفسیر المیزان (جلد ۳). ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- غفوری نژاد، محمد (۱۳۹۴). «نظریه فطرت و آرای جامعه شناختی و معرفت شناختی علامه طباطبایی»، انسان پژوهی دینی. سال ۱۲، شماره ۳۳، بهار و تابستان ۱۳۹۴، صص ۵۱-۷۶.
- غمامی، سید محمد علی و اسلامی تنها، اصغر (۱۳۹۵). هم‌شناسی فرهنگی؛ الگوی قرآنی ارتباطات میان‌فرهنگی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۱). تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی، تهران: نشر نی.
- فیاض، ابراهیم (۱۳۸۹). تعامل دین، فرهنگ و ارتباطات. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
- گادیکانست، ویلیام بی. (۱۳۹۶). نظریه پردازی درباره ارتباطات میان فرهنگی. ترجمه: حسن بشیر و همکاران، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- لیخندق، محسن (۱۳۹۰). «دلالت‌های نظریه فطرت در نظریه فرهنگی»، معرفت فرهنگی اجتماعی، سال سوم، شماره ۱، پیاپی ۹، زمستان ۱۳۹۰، صص ۵۵-۸۰.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۹). آموزش عقاید، قم: نشر موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۶). مجموعه آثار، تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۴). فطرت. تهران: صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه (جلد ۱۶)، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- همایون، محمدهادی (۱۳۹۱). جهانگردی، ارتباطات میان‌فرهنگی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

- Hall, Bradford 'J' (2014). Theories of Culture and Communication. The Global Intercultural Communication Reader, pp. 58-79.
- Hua, Zhu (2016). Identifying Research Paradigms. Research Methods in Intercultural Communication, pp. 3-23.
- Leeds-Hurwitz, Wendy (2014). The Evolution of International Communication as a Field of Study: A Personal Reflection, The Global Intercultural Communication Reader, pp. 17-35.
- Nishida, H. (1999). "A cognitive approach to Intercultural communication based on schema theory", International Journal of Intercultural Relations, 23, pp. 753- 777.
- Ting-Toomey, S. (1988). Intercultural Conflict Styles: A Face-Negotiation Theory. In Y. Y. Kim & W. B. Gudykunst (Eds.), Theories in Intercultural Communication (pp. 213-238). Newbury Park, CA: Sage.